

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانیازان



دوکتور عبدالرحمان محمودی

کبیر توخی

۰۱ جون ۲۰۱۵

**کوتاه سخنی در مورد زنده  
یاد دوکتور عبدالرحمان  
محمودی**

نه در بند زمین نی آسمان است  
محبیت با همه خلق جهان است  
قلم در دست او گرز گران است  
که افکارم نه از این و نه آن است  
مرا درد وطن در جسم و جان است  
که محمودی نمیرد سخت جان است  
زیانش تیزتر از هر سنان است  
مرا مخدوم صنف رنجبران است  
که صنف بینوایانم چو جان است  
همه آقای ملک این جهان است  
همه مردم در این خاک آنچنان است  
همه فخر زمین و آسمان است  
درفش ما درفش کویان است  
که ضرب دست افغانی چنان است

تو میدانی که محمودی چپسان است  
تو میدانی که دین و مسلک او  
تو میدانی که اندر رزم دشمن  
منم آن انقلابی از دل و جان  
مرا عشق وطن دیوانه کرده  
بگو با دشمنان پست مردم  
همی داند ولی در جنگ دشمن  
ز صنف بینوایانم از آن رو  
بگویم فاش با هرکس به هر جا  
یقین دانم که فردا بینوایان  
نه من تنها یگانه قهرمانم  
مرا قومیت کز افسانه شان  
نمی لاقم ببین تاریخ ما را  
بپرس از هر فرنگی این سخن را

بسوزد زهول جنبش های مردم

هر آن مرد فرنگی در فغان است

صنف: طبقه

\*\*\*\*\*

مرد میدان مبارزه طبقاتی و ابر  
مرد دوران مشروطه ، شیوه  
دیدش را از جهان هستی و  
اجتماع انسانی و شگرد بینش  
خود را نسبت به موضع طبقاتی  
، در پارچه شعرزیبا و ضربتی  
اش به وضاحت و آشکارا بیان  
نموده و در عمل نشان داده ، که  
نخستین کمونیست در تاریخ  
کشور بوده ، که با شجاعت کم  
نظیر و خلق پسند و تحسین  
برانگیز در برابر مظالم و درنده  
خوئی طبقات حاکمه و در رأس  
همه نادرگذار (این نماینده  
آمورش دیده توسط گفتار پیر  
استعمار جهان ، یعنی امپریالیزم  
مکار انگلیس در هند تحت سلطه  
اش ، به سان ستیغ کوه های سر

به فلک کشیده کشورش ایستاد و با تمام ارباب و فشار و شکنجه های مستدام ( با آن که تن کوبیده شده اش بارگران  
مریضی را که به اثر شکنجه های وحشیانه جلدانی مثل: « طره باز خان » در زندان عاید حالش شده بود ، حمل می

کرد ؛ مانند « داوی » و « میر محمدصدیق فرهنگ » و امثال شان ، تواب نشد و توبه نامه ننوشت که از زندان مخوف خاندان نادرگذار رها شود و از غرور و عزت نفس و آبرویش بگذرد و به کرسی های بلند دولتی جلوس نماید و از نعمات مادی و معنوی مستفید گردد. این کمونست سترگ و فرزند راستین مردم، سنگر زیر فشار مبارزه طبقاتی را با هرم تن و بدن شقه شقه شده در عرصه زندان ، کماکان پرحرارت و گرم نگهداشت ، تا این که ظاهر شاه خاین وجود چون کوه سنگینش را در داخل زندان تحمل نتوانست و دوکتور مورد اطمینانش ( ... ) را توظیف نمود تا به داخل سلول سرد و مرطوب و تاریک زندان برود و این تهمتن تسلیم ناپذیر را قبل از آزادی با زرق دوا مسموم سازد . دوکتور توظیف شده که قبلاً زنده یاد دوکتور عبدالرحمن محمودی را می شناخت و به دانش طبی ایشان احترام داشت با یک جهان شرمساری و سرافکندی و ابراز ناچاری به این مرد میدان و تهمتن دوران چنین گفته بود : « داکتر صاحب مجبورم این ادویه را به شما زرق کنم در غیر آن شاه خودم و خانواده ام را تپاه خواهد کرد . از زندان که رها شدید مدتی بعد اثر خواهد نمود ... »

از ادامه نقل قول مستقیم نورچشمی زنده یاد محمودی به این سبب منصرف شدم که وی جریان مسموم ساختن تدریجی این مبارز سترگ کشور را که پیش از مرگش از زبان خودش (در حضور اعضای معدود خانواده اش) شنیده بود ، و چنین واقعیت تاریخی را در درازنای چند دهه گذشته کتباً افشاء نکرده و آن را در معرض دید مردم قرار نداده است ؛ اکنون سکوت سوال برانگیزش را بشکند و راز مسموم ساختن زنده یاد محمودی را توسط فرستاده ظاهر شاه آشکار سازد .

در پایان این فشرده باید خاطر نشان ساخت که میرویس ودان محمودی مبارز بسیار با شهامت و ادامه کار در مقطع کنونی یگانه ادامه دهنده و میراث دار مبارزه زندگی ساز زنده یاد دوکتور عبدالرحمن محمودی می باشد .